



سنگ نبشته های هخامنشی

در ترجمه نیل

از :

سرینک جهانگیر قائم مقامی  
" دکتر در تاریخ "



# سنگ‌نشته‌های هخامنشی در ترعه نیل

از دوره استیلای هخامنشیان  
بر مصر که در تاریخ آنرا نخستین  
دوره استیلای ایران بر آن کشور  
خوانده‌اند<sup>۱</sup>. آثار فراوانی از قبیل  
سنگ‌نشته، لوح، مجسمه، ظروف  
گلی و سفالی، مهر و نوشته‌های  
روی پاپيروس بخط مصری بجای  
مانده است که هر يك از آنها  
صفحه‌درخشانی از تاریخ باعظمت  
شاهنشاهی هخامنشی را نشان  
میدهد<sup>۲</sup> و جا دارد این آثار باقی  
مانده از نظرهای متفاوت مورد  
بررسی و پژوهش قرار گیرند و  
بهمین نظر ماقالّه حاضر را بشرح  
سنگ‌نشته‌هایی که به فرمان

از

سرمنگ جهانگیر قائم مقامی  
«دکتر در تاریخ»

۱- دومین دوره استیلای ایرانیان بر مصر در زمان ساسانیان بوده است.

۲- یکصد و هفده سند از این اسناد در کتاب «نخستین دوره استیلای ایران بر مصر»

تألیف ژ. پوزنر جمع‌آوری شده است.

La Première domination Perse en Egypte. Par G. Posener

داریوش بزرگ بمناسبت حفرترعه نیل بر پاداشته بودند اختصاص میدهیم .

فکر احداث ترعه‌یی که دریای سرخ را به رود نیل ، در قلب کشور مصر ، به پیوندد ظاهرأ بعد از سال ۵۱۷ پیش از میلاد ، یعنی پس از لشکر کشی داریوش بمصر ۳ در سال چهارم سلطنت او درمخیله داریوش پدید آمده است .

تا پیش از حفرترعه نیل ، برای رفتن بمصر می بایستی «از راه خلیج فارس و فرات به سوریه و از آنجا، از شهر صور با کشتی و یا از راه فلسطین و شبه جزیره سینا» بمصر میرفتند و این همان راهی بود که کبوجیه ( ۵۲۹-۵۲۱- پیش از میلاد) نیز از آن استفاده کرده بود<sup>۵</sup> (۵۲۵ پم) .

در این سفر بود که داریوش که خود نیز از همان راه قدیمی و معمولی بمصر رفته بود به فکر یافتن راه کوتاهتری افتاد تا مرکز شاهنشاهی او را با متصرفات افریقائیش متصل نماید. از طرفی اهمیت اقتصادی سرزمین زرخیز مصر<sup>۶</sup> هم ایجاب میکرد راه کوتاهتری آنجا را به بازارهای قلمرو شاهنشاهی ایران ارتباط دهد تا کالاهای ایرانی بسهولت به مصر و محصولات مصر به نواحی دیگر برسد<sup>۷</sup>.

با این اندیشه ، داریوش هنگامی که در مصر بود فرمان داد درباره یافتن چنین راهی بررسی و تحقیق نمایند . این بود که به طرح حفرترعه‌یی بین خلیج عربستان (شاخه دریای سرخ) و رودخانه نیل توجه شد و آگاهی از

۳- مشیرالدوله پیرنیا : ایران باستان ج ۱ ص ۵۶۷

۴- علی سامی ، تمدن هخامنشی ج ۱ ص ۱۷۶ .

۵- دکتر بهمنش ، تاریخ قدیم مصر ج ۲ ص ۲۰۷ و سامی ج ۱ ص ۱۷۶ به مشیرالدوله (ایران باستان) از ص ۴۸۸ تا ص ۴۸۹ نیز رجوع کنید.

۶- ژولیوس ژونگ: داریوش یکم پادشاه پارس، ترجمه دکتر منشی زاده ص ۱۰۵-۱۰۶

وسامی ص ۱۷۶-۱۷۷

۷- دکتر بهمنش: ج ۲ ص ۲۱۱

اینکه سالها پیش نیز فرعونهای مصر باین کار دست زده بودند ، داریوش را در تصمیم خود بیشتر راسخ نمود . ژولیوس ژونگ Julius Jung در کتابی که زیر عنوان « داریوش یکم پادشاه پارسها » نوشته است<sup>۸</sup> درباره اهمیت حفر این ترعه می نویسد : « دورنمایی که حفر ترعه نیل به دریای سرخ پیش چشم شاه می گشود ، خاطر وی را بکلی فریفته خود ساخته بود . . . اراده شاه بر این قرار داشت که در آینده کشتیهایی که از ساحل فینیقی بدریای سرخ می آیند و همچنین آنهایی که از ایران و هندوستان محیط جزیره العرب را طی میکند ، بتوانند وارد نیل شوند و از آنجا به دریای روم بروند . از طرف دیگر سواحل جنوبی پارس در کنار خلیج اهمیت جهانی پیدا میکرد و مبادله کالا از راه دریا میان بابل و ایران و عربستان و هندوستان برقرار میشد و تمام مال التجاره - هایی که از مغرب ، از راههای صعب و سخت به ایران و از شرق و جنوب دور به دریای روم میرسیدند می توانستند با سرویس ناوگان منظم تجارتی با سهولت بمقصدهای خود بروند . و باز اضافه میکند « بدین وسیله نیز برای ممالکی مانند هندوستان ، عربستان و سواحل شرقی افریقا که در جهان هخامنشی اهمیت تازه بی می یافتند ، برای اولین بار نظارت نظامی برقرار میشد یعنی ناوگان جنگی پارسی که در سواحل فینیقیه لنگر انداخته بود میتواند از آنجا خود را به دریای جنوب برساند چه در این ممالک شرق ، کشتی جنگی ساخته نمیشد و اگر می خواستند قطعات منفصل جهازها را با بارشتر از ساحل آسیائی مدیترانه به آنجا ببرد علاوه بردشواری های راه ممکن بود موفقیت مطلوب نیز حاصل نشود<sup>۹</sup> .

در مورد سابقه حفر ترعه یی که دریای سرخ را به رود نیل متصل سازد ، نویسندگان قدیم نخستین اقدام را به سستی اول (۱۳۱۸-۱۲۹۴ پیش از میلاد)

۸- ترجمه دکتر داوود منشی زاده چاپ دانشگاه تهران، سال ۱۳۳۵

۹- ص ۱۰۶-۱۰۷

فرعون مصر نسبت داده‌اند که پس از او رامسس دوم<sup>۱۰</sup> (۱۲۹۴-۱۲۳۲ پ م) و سپس نخائوی دوم (۶۰۹-۵۹۴) آنرا تجدید نموده‌اند<sup>۱۱</sup>. پس از این تاریخ، یعنی در حدود یکصد سال بعد است که داریوش کبیر (۵۲۱-۴۸۶ پ م) اقدام به تجدید ترعه مزبور کرد و هرودوت نیز در کتاب خود بآن اشاره نموده است.<sup>۱۲</sup> نکته دیگری را که در این جا باید یاد آور شد این است که مسیر ترعه مزبور را با مسیر ترعه‌یی که توسط کنت دولسپس Comte de Lesseps حفر شد (۱۸۶۹ م) و اینک بنام ترعه سوئز معروف و مورد استفاده است نباید یکی دانست زیرا با آنکه قسمتی از این دو ترعه بر یکدیگر منطبق است، در قسمت دیگر بکلی متفاوتند باین معنی که چون از ساحل دریای سرخ رو بشمال حرکت کنیم، مسیر دو ترعه تا دریاچه تمساح یکیست ولی از دریاچه تمساح ببعد، مسیر ترعه داریوش بطرف مغرب منحرف میشود و در طول شعبه‌یی از رودخانه نیل تا شهر بوباستی Boubastie امتداد یافته و کمی بالاتر از بوباستی به شعبه اصلی نیل می‌پیوندد و مسیر ترعه لسپس، از دریاچه تمساح ببعد رو بشمال تا پرت-سعید در ساحل دریای مدیترانه امتداد می‌یابد (رجوع کنید به نقشه).

هرودوت که خود این ترعه را به چشم دیده است، در کتاب خویش راجع به مشخصات و چگونگی حفر آن نوشته است:

«فرزند پسامتیک، نکومس بود که در مصر سلطنت کرد. وی نخستین کسی بود که دست بکار حفر مجرائی شد که به دریای اریتره میرفت و پس از او داریوش پارسی کار حفر آن را ادامه داد. طول این مجرا باندازه چهارروز بحریمایی است. عرض آنرا آنقدر زیاد گرفتند که دو کشتی جنگی با سه ردیف پاروزن که از مقابل بهم برسند می‌توانند در آن بحر پیمائی کنند. آب آن از نیل میرسد. این مجرا از نقطه‌ای شروع میشود که کمی بالاتر

۱۰- سامی، تمدن هخامنشی ج ۱ ص ۱۸۱

۱۱- هرودوت. ج ۲ بند ۱۵۸ و ج ۴ بند ۴۲ ترجمه دکتر هدایتی.

۱۲- هرودوت کتاب دوم بند ۱۵۸

از شهر بوباستی قرار دارد و از کنار پاتوموس که از شهرهای عربستان است میگذرد و بدریای اریتره منتهی میشود .

« این مجرا ابتدا در قسمت دشت مصر که در جهت عربستان ادامه دارد حفر شده و این همان دشتی است که در جهت داخل با کوهی که در مقابل ممفیس قرار دارد مجاور میباشد . بنابراین . این مجرا در مسیر پایه داخلی این کوه حفر شده و از سمت مغرب به مشرق می رود . آنگاه از گردنه ها میگذرد و سپس از کوهستان به جنوب و ناحیه ای که بادنوتوس ( یعنی باد جنوب ) در آن میوزد متوجه میشود و به خلیج عربستان می رود . در نقطه ای که از دریای شمال تا دریای جنوب - همان دریایی که اریتره نام دارد ( یعنی اقیانوس هند و دریای سرخ ) - فاصله از همه جا کمتر و راه مستقیم تر است از کوه کازیوس ( امروز رأس القصرون نام دارد ) که سرحد مصر و سوریه است از این نقطه تا خلیج عربستان ( دریای سرخ ) هزارستاد فاصله دارد ( ۱۷۷ کیلومتر ) این راه مستقیم - ترین راهها است ولی مجرا بسیار طویلتر است زیرا پیچ و خم زیاد دارد . در زمان نکومس یکصد و بیست هزار مصری برای حفر آن تلف شد . نکومس در ضمن عملیات حفاری دست از ادامه حفر آن کشید ... »<sup>۱۳</sup>

درباره اینکه چرا نخائو حفر ترعه نیل را ناتمام گذارد نویسندگان قدیم دلایل متفاوت ذکر کرده اند چنانکه هرودوت می نویسد: « هاتقی با آن مخالفت کرد و مدعی شد که نکومس با این عمل از پیش بنفع اقوام وحشی کار میکند. »<sup>۱۴</sup>

و دیو دور Diodore علت را اینطور بیان نموده است که « مهندسین در حین عمل منتقل شدند که سطح بحر احمر بلندتر از دلتای نیل و مصر است و تصور نمودند که چنانچه راه باز شود آب شور ، رود نیل و مصر را در خود غرق

۱۳- همان کتاب همان بند .

۱۴- همان مدرک ص ۲۴۳ ترجمه دکتر هدایتی.

خواهد کرد»<sup>۱۵</sup> و آقای سامی نیز در کتاب تمدن هخامنشی نوشته است: «... بعضی علت متوقف ماندن کار را گویا هزینه زیادی که حفر کانال در برداشته ، نوشته اند»<sup>۱۶</sup>.

ولی بهر حال این مجرا با همه مشکلات و دشواریهایش بهمت داریوش بزرگ پایان پذیرفت و اقیانوس هند از راه دریای سرخ برودخانه نیل اتصال یافت و سالها ، ارتباط آسیا با آفریقا و اروپا از این راه برقرار بود.<sup>۱۷</sup>

داریوش پس از خاتمه کار ترعه ، دستور داد پنج کتیبه که متن های آنها با یکدیگر تفاوت هایی داشته است در چهار محل در طول مسیر ترعه برپا کردند و بر روی آنها بخط های مصری ، پارسی ، عیلامی و بابلی مطالبی در باره حفر ترعه ثبت نمودند.<sup>۱۸</sup>

این پنج سنگنبشته را در ساحل راست ترعه ( بسمت دریای سرخ) و بر روی مرتفع ترین نقاط بطوری برپا داشته بودند که کشتی هایی که در ترعه مزبور رفت و آمد میکردند آنها را می دیدند . سنگنبشته های مزبور از حیث عظمت سکوی زیرین و نوع مصالح و شکل و ابعادشان کم نظیر و شایان توجه و اهمیت بوده است ولی متأسفانه دست روزگار یکی از آنها را بکلی از میان برده و از چهار دیگر هم جز قطعه هایی شکسته بر جای نمانده است<sup>۱۹</sup> منتهی اینکه این قطعه های شکسته ، خوشبختانه بهمت و کوشش باستان شناسان و دانشمندان زبان شناس جمع آوری و خوانده شده و در نتیجه ، اسناد معتبر

۱۵- سامی. تمدن هخامنشی ص ۱۷۶-۱۷۷ ج ۱

۱۶- همان کتاب ص ۱۷۶

۱۷- رجوع کنید به کتاب « ترعه ها و اماکن قدیمی و بنادر سوز ، تألیف بوردن Anciens canaux, anciens sites et Ports de Suez, Par Bourdon

۱۸- پیرنیا در تاریخ خود متن هر پنج کتیبه را یکی وبدون تفاوت دانسته و نوشته است « کتیبه ایست از داریوش در پنج نسخه که در نزدیکی کانال یافته اند . . . » ( ج ۱ ص ۵۶۸ )

۱۹- پوزنر ، ص ۴۸ ( نسخه فرانسوی )



وزنده‌یی حاکی از عظمت و تمدن ایران باستان در دسترس قرار گرفته است . سنگنبشته‌های ترعه نیل بترتیب (در جهت مسیر ترعه بسمت دریای سرخ) عبارتند از :

۲۰۱ - سنگنبشته‌های تل‌المسخوته (دو سنگنبشته)

۳ - سنگنبشته سرابه اوم Serapéum

۴ - سنگنبشته قبره یاشالوف

۵ - سنگنبشته سوئز

از میان این کتیبه‌ها ، از سنگنبشته سرابه اوم جز اینکه محل نصب آن معلوم است آگاهی دیگری نداریم و سنگ نبشته‌های شالوف و سوئز بدو خط هیرو گلیف و میخی (میخی پارسی ، میخی عیلامی ، میخی بابلی) بوده که خطوط میخی بریک روی سنگ و خط مصری بر روی دیگر آن‌ها کنده شده بود<sup>۲۰</sup> و در تل‌المسخوته بموجب تحقیقات گله‌نیشف که Golenischeff که خود قطعاتی از کتیبه‌های تل‌المسخوته را در کاوشهای خویش بدست آورده ، بود ، کتیبه ترعه ، شامل دو سنگنبشته یکی بخط مصری و دیگری بخط میخی بوده است .<sup>۲۱</sup>

اینک بتفصیل کتیبه‌های ترعه نیل میپردازیم :

### سنگنبشته‌های تل‌المسخوته

این سنگنبشته‌ها در مقابل شهر پاتاموس و بر ساحل ترعه برپا شده بود و ویرانه‌های این شهر امروز به تل‌المسخوته معروف است و در هفده کیلومتری اسماعیلیه قرار دارد . سنگنبشته‌های مزبور از سنگ خارا ی سرخ بوده و بر فراز تپه‌یی بفاصله ۳۵۰ متر از مجرای قدیم قرار داشته است . نخستین قطعه‌یی که از این کتیبه‌ها پیدا شده بخط میخی است و در سال ۱۸۶۴ میلادی

۲۰- همان کتاب ص ۴۹

۲۱- همان کتاب ص ۵۰

(۱۲۴۳ خورشیدی هجری) بوسیله یکی از کارگران شرکت کانال سوئز بدست آمد و چندی بعد یعنی در سال ۱۸۸۹ (۱۲۶۸ خورشیدی) قطعات دیگری بخط مصری و یک قطعه هم میخی بوسیله گله نیشف کشف شد که در سال ۱۹۰۷ (۱۲۸۵) آنها را بموزه قاهره بردند و بدین ترتیب از این کتیبه تا کنون فقط هشت قطعه بزبان مصری بدست آمده که هفت قطعه آن، سه چهارم کسل کتیبه اصلی را تشکیل میدهد و موقعیت قطعه هشتم هنوز مشخص نیست و از روی قطعات بدست آمده معلوم میشود ارتفاع اصلی سنگ نبشته ۳/۱۵ متر و عرض آن ۲/۱۰ متر و ضخامتش ۷۷ سانتیمتر بوده است<sup>۲۲</sup> (تصویر شماره ۱).

شرح جامع و ترجمه متن این کتیبه در کتاب «نخستین دوره استیلای ایرانیان بر مصر» تألیف ژ پوزنر G. Posener بزبان فرانسوی آمده است.<sup>۲۳</sup> و مشابه است با آنچه مرحوم پیرنیا در تاریخ ایران باستان ذکر نموده است و از این رو ما قسمتهایی از مندرجات ایران باستان را در معرفی این سنگنبشته در اینجا نقل میکنیم:

« در کتیبه مصری، داریوش را مانند فرعون مصر نشان داده اند یعنی صورت او زیر قرص پرداز آفتاب است و خدایان دو نیمه نیل، دو قسمت مصر (مصر علیا و سفلی) را در زیر اسم او بهم اتصال داده اند و نیز در اینجا موافق مراسمی که برای فراعنه مقرر بوده اسامی مللی که تابع داریوش بودند (با تصویر مردم آنها)، ذکر شده است. توضیح آنکه خواسته اند بگویند که تمام این مردمان تابع فرعون مصر (آن تریوش = داریوش) اند و او بالاتر از فراعنه سلسله هیجدهم است (که با عظمت ترین سلسله های فراعنه مصر بوده است)... تفاوتی که بین این صورتهای مردمان تابع در زمان فراعنه مصر دیده میشود، این است که در زمان فراعنه، مردم تابع را بشکل اسیری تصویر میکردند که دستهایش مقید است و رشته یی این اسیر را بشکل بیضی دندانه دار

۲۲- همان کتاب و همان صفحه

۲۳- ص ۵۰ تا ص ۶۳ (نسخه فرانسوی)

یعنی قلعه محکم، بسته است ولی چون در اینجا نمیتوانستند مردمان آریائی را باین شکل در آورند تغییری در نشان دادن مردمان تابع حاصل شده که چنین است: مردم تابع مانند اسیری نیست که دستهای او را بسته باشند، بلکه بی قید، زانو بزمین زده و در حال خشوع و خضوع در بالای شکل بیضی قرار گرفته.....»<sup>۲۴</sup>

براین شرح باید افزود که در بالای نام داریوش که در درون يك بیضی کنده شده تصویر تاجی نیز نقش شده و در طرفین تصویرهای خدایان دونیمه نیل خطاباً این خدایان چنین نوشته شده است:

در سمت چپ:

« همه زمینها، همه کشورهای بیگانه و همه کمانها (قدرتها) را بتو می بخشم».

و در سمت راست: <sup>۲۵</sup>

« تمام انسانها، تمام مردمان و تمام ساکنان جزایر دریای اژه را بتو واگذار میکنم».

در پشت سر تصویر هر یک از دو خدایان نیز سخنانی در هفت ستون بدین شرح ثبت گردیده است <sup>۲۶</sup>:

« زندگی کامل، سعادت و تندرستی را بتو عطا میکنم.

« همه شادیهها که از من ناشی میشود، تمام هدایا نظیر آنچه که خداوند بزرگ «را»<sup>۲۷</sup> میپذیرد، همه خوراکیها، تمام چیزهای خوب که من منشاء آنها هستم و بالاخره پادشاهی مصر علیا و سفلی را جاودانه بتو میدهم».

۲۴- ج ۱ ص ۵۶۹

۲۵- پوزنر، ص ۵۱

۲۶- پوزنر، ص ۵۲.

۲۷- در نزد مصریان، «را» خداوند آفتاب و پسر نیت بوده است.

سپس در زیر پای خدایان، تصاویر مردمان تابع شاهنشاهی ایران با ذکر نام کشورهای آنها نقش شده است ۲۸. و پس از آن متن کتیبه که افتادگی های زیادی دارد آغاز میشود و چون متن خوانده شده بوسیله پوزنر ۲۹، بسیار شبیه به شرحی است که پیرنیا در کتاب خود نقل نموده است. ما باز بنقل مندرجات ایران باستان اکتفا میکنیم ۳۰. این است ترجمه آنچه در سنگنبشته مزبور آمده است:

« داریوش که زاده الهه نیث، خانم سائیس است. انجام داد تمام چیزهایی را که خدا شروع کرد ..... آقای همه چیز که قرص آفتاب را احاطه کرده. وقتی که در شکم مادر قرار داشت و هنوز بزمین نیامده بود. نیث او را پسر خود دانست ..... امر کرد باو ..... دست خود را با کمان بطرف او برد تا دشمنان او را برافکند چنانکه از برای پسر خود «را» کرد ..... او قویشو کت است. او دشمنان خود را در تمام ممالک نابود میکند. شاه مصر علیا و سفلی، داریوش که الی الابد پاینده است، شاهنشاه بزرگ، پسر و یشتاسب هخامنشی. او پسر اوست ( یعنی پسر نیث است). قوی و جهانگیر است. تمام خارجیها باهدایای خود رو باو میآورند و برای او کار میکنند.»

از اینجا به بعد متن سنگ نبشته خراب شده است و بسیاری از عبارات آن خوانده نمیشود و جملات آن غالباً روابط خود را از دست داده و نامفهوم شده اند ولی رویهمرفته آنچه استنباط میشود چنین است که داریوش حکمای مصر را طلبیده و سؤالاتی از آنها نموده است. يك بار هم نام کوروش در کتیبه ذکر شده و سپس گفتگو از کشتی های بیست که میخواستند برای شناسایی بدریایا بفرستند ۳۱....

۲۸- ر-ك به پوزنر از ص ۵۳ تا ص ۵۵

۲۹- ص ۵۸ - ۵۹

۳۰- ج ۱ ص ۵۷۰

۳۱- همان کتاب و همان صفحه و پوزنر ص ۵۹

## سنگنبشته سر اپه اوم

از این سنگنبشته که متأسفانه امروز هیچ اثری باقی نیست، بیست و پنج قطعه بخط مصری بوسیله باستان شناس فرانسوی Clermont – Ganeau در سال ۱۸۸۴ میلادی (۱۲۶۴ خورشیدی) در محلی بنام سر اپه اوم واقع بین دریاچه تمساح و دریاچه شور بدست آمد و در آغاز مهندسین هیأت فرانسوی که در آن حدود کار میکرده اند آن را باشتباه باقی مانده ویرانه های تاریخی سر اپه اوم دانسته بودند. قطعات شکسته مزبور در سال ۱۸۸۶ بموزه لوور پاریس حمل شد ولی دو سال بعد بکلی مفقود شدند و دیگر نشانی از آنها بدست نیامد<sup>۳۲</sup>.

## سنگنبشته قبره یا شالوف

این کتیبه نیز از سنگ خارای سرخ ساخته شده و قسمتی از آن را اکنون در اسماعیلیه برپا داشته اند (تصویرهای ۲ تا ۷). کتیبه مزبور که یک روی آن بخط مصری و روی دیگر آن به سه خط میخی پارسی، عیلامی و بابلی بوده در محلی واقع در سه کیلومتری جنوب قریه شالوف و در نزدیکی دریاچه شور قرار داشته است. این سنگنبشته هم تقریباً باندازه سنگنبشته تل المسخوته و بابعاد ۳ متر ارتفاع، ۲/۵ متر عرض و ۷۸ سانتیمتر ضخامت بوده است و قطعات شکسته آن نخستین بار در سال ۱۸۶۶ میلادی (۱۲۴۵ خورشیدی) بوسیله مهندس دولسپس de Lesseps کشف شد و او تعداد سی و پنج قطعه کوچک و بزرگ از کتیبه مذکور را بدست آورد که هفده قطعه آن بخط مصری و بقیه بخط میخی بود و آنها را به شالوف منتقل نمودند. ولی در این نقل مکان قطعات کوچک سنگنبشته مفقود گردید و از تحقیق و تجسس هایی هم که برای پیدا کردن آنها بعمل آمد نتیجه یی بدست نیامد و پانزده قطعه بزرگتر از این قطعات را نیز

مجدد آبخاک و شن سپردند تا اینکه در سال ۱۹۱۱ - ۱۹۱۳ (۱۲۹۰ - ۱۲۹۱ - خورشیدی) بر اثر کاوشهای کله‌دا Clédat این قطعات باچندتائی دیگر جمعاً بالغ برسی و چند قطعه باز از زیر خاک بیرون آمد و آنها را به اسماعیلیه حمل کردند. ۳۳

سنگنبشته مزبور بر روی پایهی از سنگ ماسه‌یی که روی قطعه سنگی گچی قرار گرفته گذارده شده است. از تر کیب قطعات شکسته سنگنبشته قبره چنین استنباط و دیده میشود که این سنگنبشته نیز بهمان سبک و شیوه کتیبه تل‌المسخوته (تصویر شماره ۱) تهیه شده بوده ولی متن اصلی آن با سنگنبشته مزبور تفاوت‌هایی داشته است.

متن این کتیبه به سبب محو شدن قسمت‌هایی از آن بطور کامل خواننده نمیشود ولی از آنچه که پوزنر posener توانسته است بخواند این نکات از آن مستفاد میشود :

داریوش از نواحی و شهرهای مصر بازدید کرده و فرمان داده است مهندسان برای حفر ترعه بکار مشغول شوند و کشتی‌ها را بر روی آن بحر کت در آورند. آنچه داریوش فرمان داده بود انجام شده است. و ۲۴ یا ۳۲ کشتی با کالاهای فراوان از مصر، از راه ترعه مزبور بسوی ایران فرستاده شد. بعد سخن از تهنیت و سخنانیست که شاهزادگان و مهندسان خطاب به داریوش گفته‌اند. سپس داریوش دستور داده است آنچه را که شده بر روی کتیبه‌یی ثبت نمایند و در پایان کتیبه نوشته شده است:

« این چنین کاری بزرگ که تا آنروز صورت نگرفته بود به فرمان و اراده داریوش که خداوندش جاودان دارد صورت حقیقت پذیرفت . » ۳۴

۳۳ - همان کتاب ص ۶۴

۳۴ - همان کتاب ص ۷۵ - ۷۶

## سنگنبشته سوم نژ

این سنگنبشته که آخرین سنگنبشته در مسیر ترعه نیل است در شش کیلومتری شمال سوئز و در نزدیکی اردو گاه نگهبانان کرانه های ترعه که در محل قوبری واقع بوده ، برفراز تپه یی با ارتفاع ۴۵۰ متر و در مغرب مجرای قدیمی ترعه قرار داشته است . جنس این سنگنبشته نیز مانند کتیبه های دیگر ترعه از سنگ خادای سرخ بوده و بزرگترین قطعه یی که از آن بدست آمده بعرض ۶۲-۷۳ سانتیمتر ( تقریباً یک سوم عرض سنگنبشته اصلی ) وبطول ۳/۱۲ متر است که تمام قدسنگنبشته میباشد ( تصویر ۸ ) و بدین ترتیب کتیبه اصلی باندازه های ۳/۱۵ متر در ۲/۱۰ و بضخامت ۷۴ سانتیمتر بوده است .

نخستین قطعه از این کتیبه در سال ۱۹۱۱-۱۹۱۲ میلادی ( ۱۲۹۰-۱۲۹۱ - خورشیدی هجری ) توسط کله دا C ledat کشف شد و پس از آن قطعات دیگری به خطوط مصری و میخی در سال ۱۹۳۳ ( ۱۳۱۲ شمسی ) بوسیله پوزنر که از جانب مؤسسه باستان شناسی شرقی قاهره در آنجا حفاری میکرد بدست آمد . ۳۵

مضمون این کتیبه هم با اختلافاتی تقریباً شبیه کتیبه شالوف است و در آن از فرمان داریوش برای حفر ترعه و روانه نمودن کشتیها ، حکایت شده است . ۳۶

بدین ترتیب می بینیم که مطالب مندرج در سنگنبشته های هیرو گلیفی ترعه نیل تقریباً یکسان بوده است جز اینکه در برخی موارد اختلافاتی جزئی در آنها دیده می شود و افتادگی هایی در بعضی از متن ها وجود دارد که رشته مطالب را گسیخته نموده است و چنانچه خواسته باشیم متنی بالنسبه

۳۵ - همان کتاب ص ۸۲

۳۶ - ر - ک به پوزنر ص ۸۵ - ۸۷

کاملتر در دست باشد باید قسمت نخست سنگنبشته تلامسخرته و بخش آخر کتیبه شالوف را ترکیب نمائیم.

و اما درباره متن های میخی سنگنبشته های ترعه نیل که آنها نیز تفاوت هایی با یکدیگر داشته اند باید گفت مضمون این کتیبه ها به تفصیل و جزئیات متن های هیرو گلیفی نیست بلکه چون بر روی يك سطح کتیبه ، به سه زبان و خط (پارسی، عیلامی ، بابلی) نوشته اند بناچار مطالب باختصار بر گزار شده است و متن کامل پارسی آنها چنین است که آنرا از کتاب « فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی » ۳۷ تألیف « رلف نارمن شارپ » Ralph Norman Sharp در اینجا نقل می کنیم :

« بند ۱ - خدای بزرگی است اهور مزدا ، که آن آسمان را آفرید ، که این زمین را آفرید ، که مردم را آفرید ، که شادی مردم را قرارداد ، که داریوش را شاه کرد ، که به داریوش شاه شهریاری را که بزرگ و دارای اسبان خوب و مردان خوب است ارزانی فرمود .

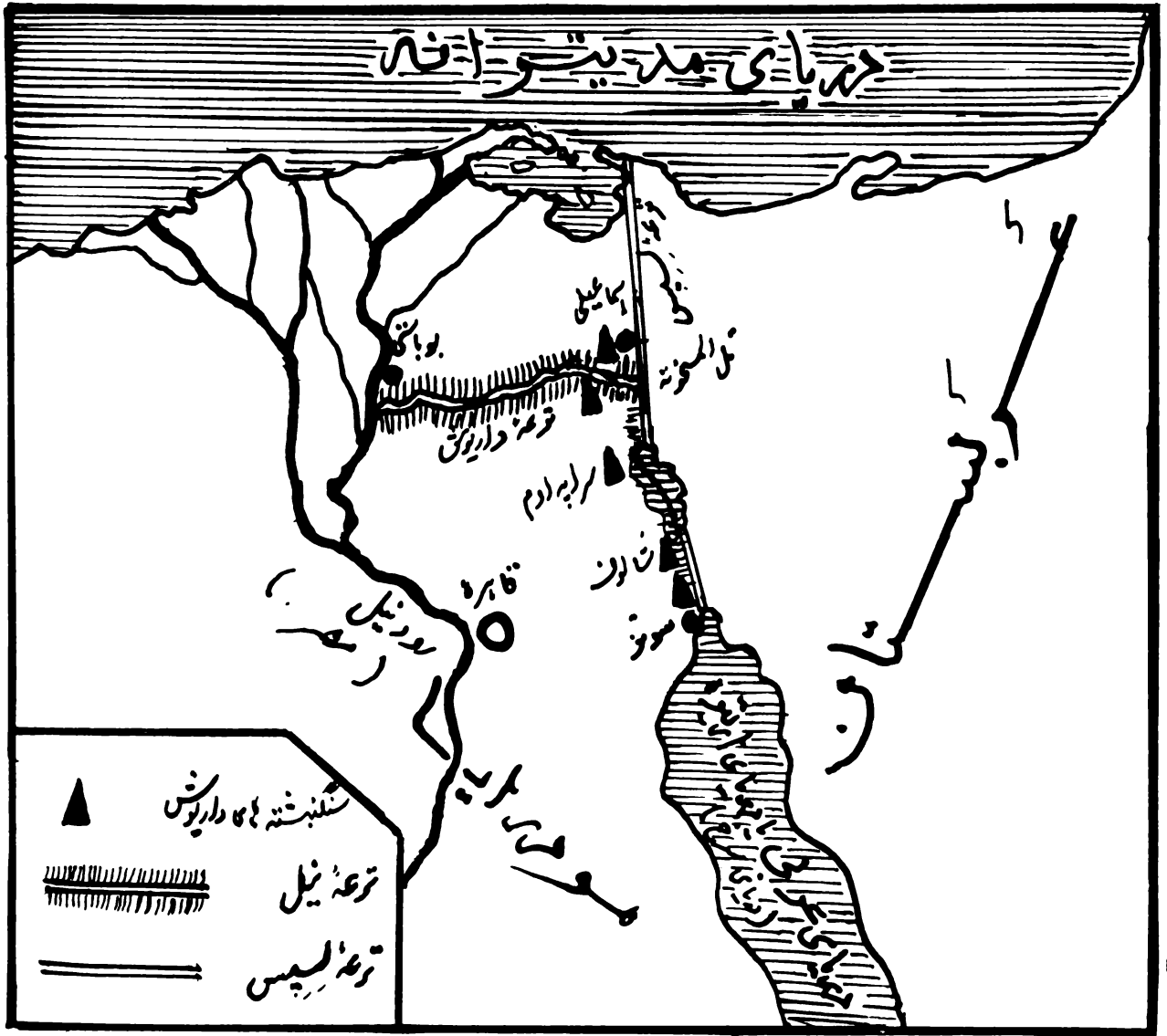
« بند ۲ - من داریوش شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه کشورهای دارای همه گونه مردم ، شاه در این سرزمین بزرگ دور و دراز ، پسر و پشتاسب هخامنشی .

« بند ۳ - داریوش شاه گوید : من پارسی هستم از پارس مصر را گرفتم . فرمان کندن این ترعه را دادم . از رودخانه بنام نیل که در مصر جاری است تادریایی که از پارس می رود . پس از آن این ترعه کنده شد چنانکه فرمان دادم ، و کشتیها از مصر از وسط این ترعه بسوی پارس روانه شدند ، چنانکه مرا میل بود » ۳۸

۳۷ - از انتشارات شورای مرکزی جشن دوهزاروپانصد ساله شاهنشاهی ایران

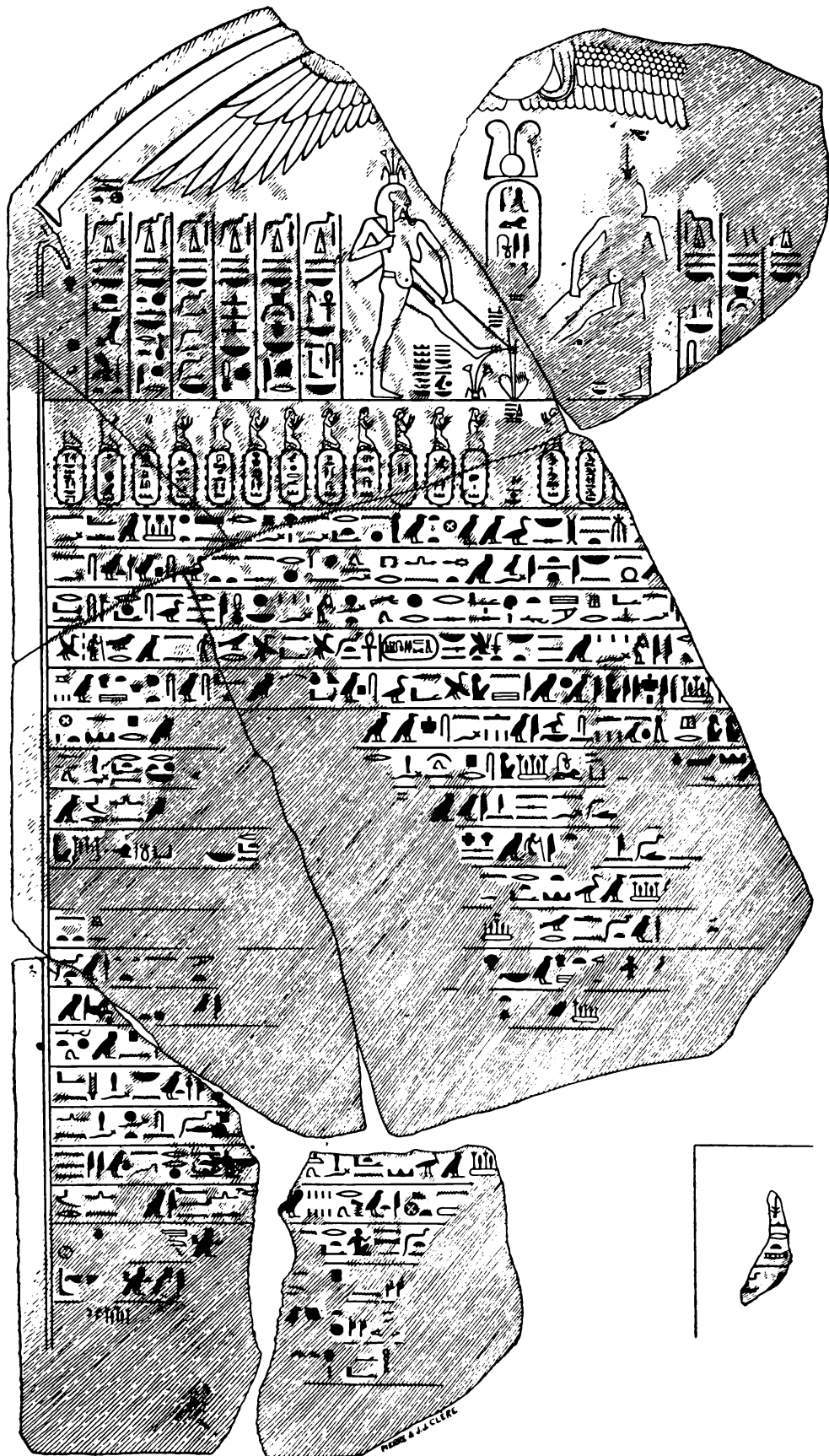
۳۸ - صفحه ۱۰۴ - ۱۰۵ و به ایران باستان ج ۱ ص ۵۷۱ نیز رجوع کنید.



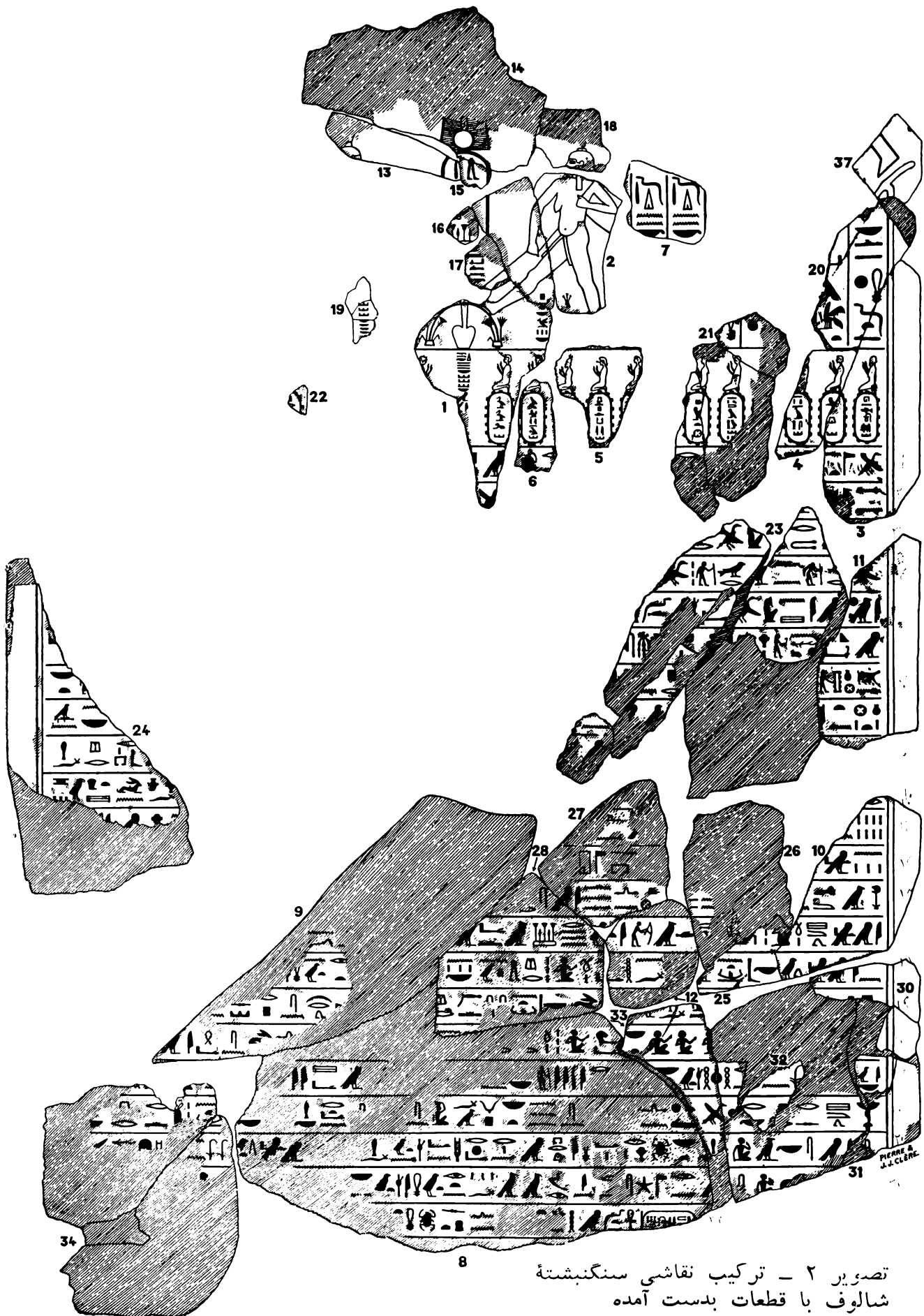


نقشهٔ مصر و عربستان قدیم و  
ترعهٔ نیل



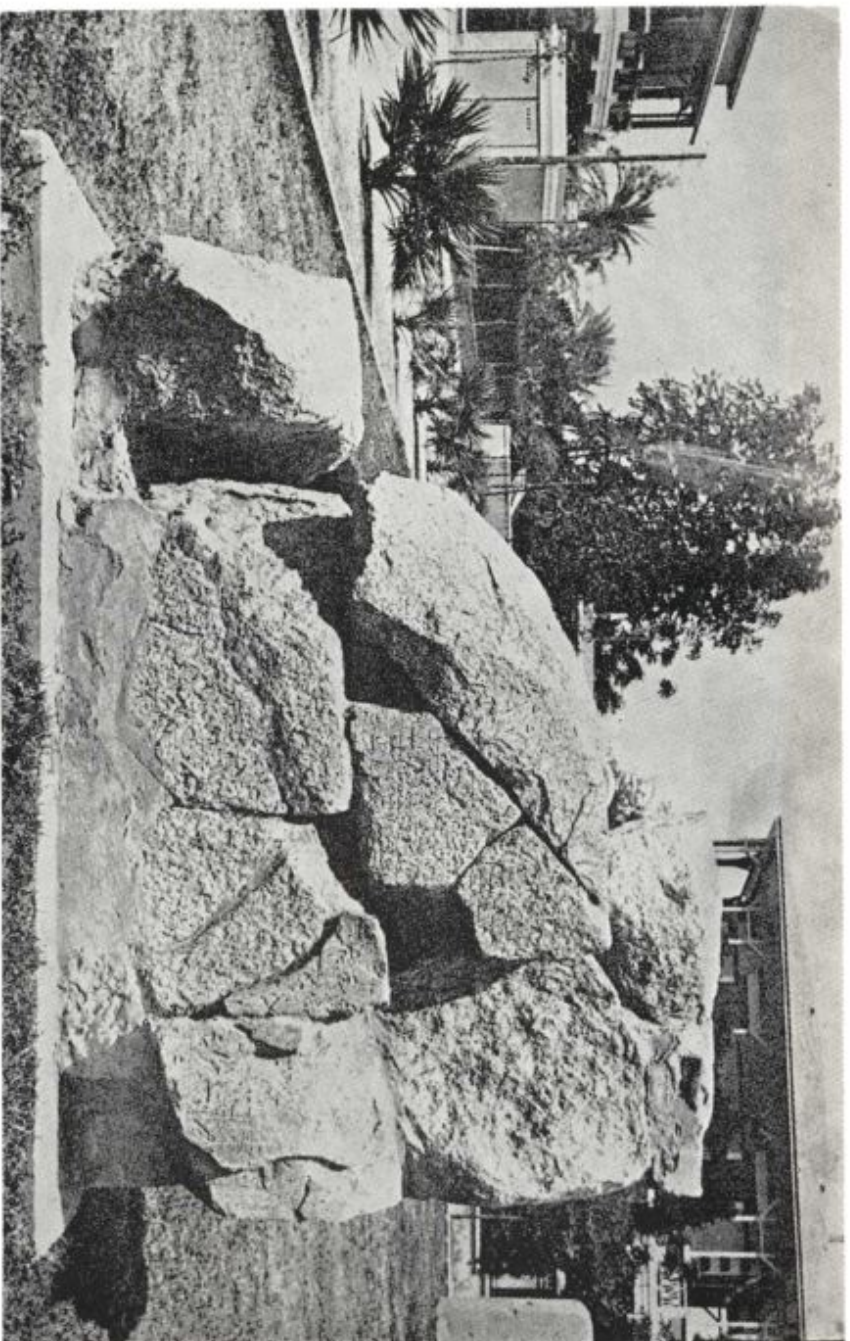


تصویر ۱ - ترسیم سنگنبشته تل المسخوته  
(از کتاب یوزنر)

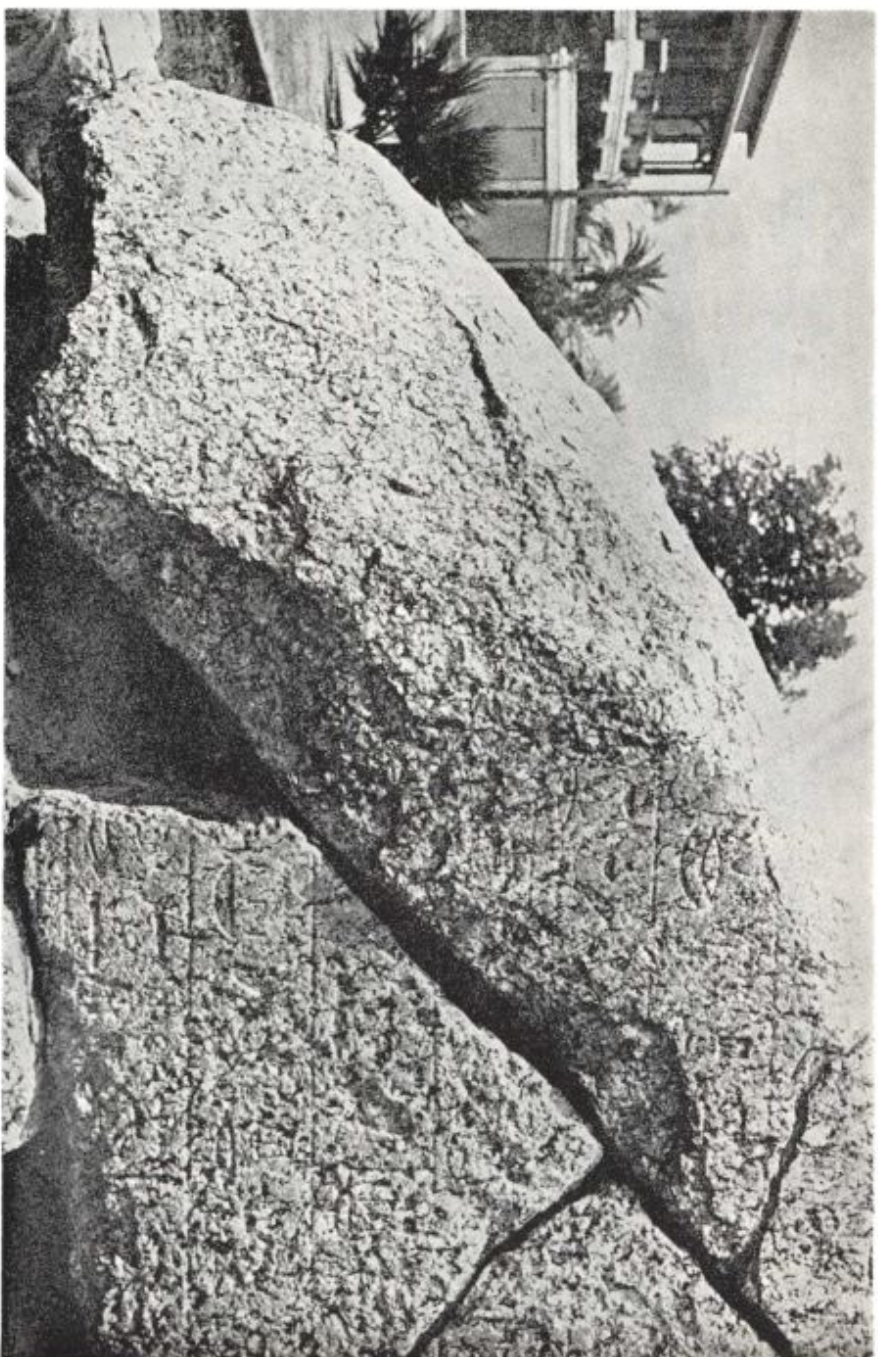


تصویر ۲ - ترکیب نقاشی سنگنبشته  
شالوف با قطعات بدست آمده  
(از کتاب پوزنر)

PIERRE &  
J. CLARE



تصویر ۳- عکسی از ترکیب سنگنبشته اصلی شالوف که در میدان اسماعیلیه برپا داشته‌اند  
(از کتاب پوزنی)



تصویر ۴ - عکس قسمتی از سنگنبشته اصلی شالوف  
(از کتاب پوزنی)



تصویر ۵ - عکس قسمتی از سنگنبشته شالوف  
(از کتاب پوزنر)

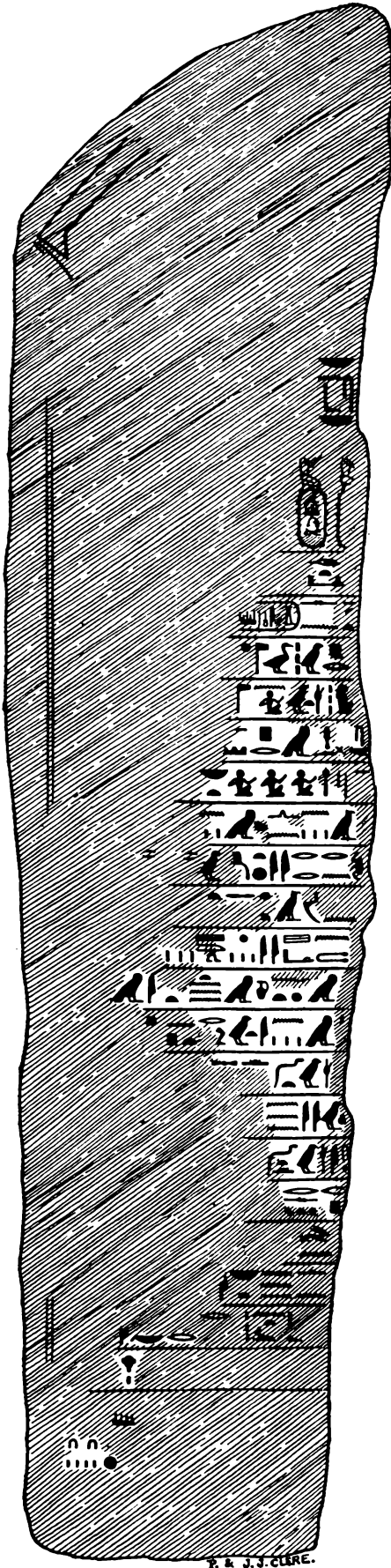


تصویر ۶ - عکس قسمتی از سنگنبشته شالوف  
(از کتاب پوزنی)





تصویر ۷ - عکس قطعه سی و چهارم از سنگنبشته شالوف  
(از کتاب پوزنر)



تصویر ۸ - ترسیمی از  
قطعه سنگنیشسته سوئز  
که بدست آمده است .  
(از کتاب یوزنر)